

## پیدایش و تکامل تشکیلات حزبی<sup>(۱)</sup>

محمد جبروتی

### مقدمه

بشر در سر آغاز زندگی اطلاعی از همکاری اجتماعی در دست نداشت و هر کس در مواجهه با مشکلات طبیعی به نیروی بازوان خود پناه می‌برد. در دفع آفات و مصائب همکاری همگانی امری ضروری جلوه نکرده بود و برای زیست بهتری فعالیت دسته جمعی به کار نمی‌رفت. هر کسی مجبور بود برای ادامه حیات شخصاً و انفراداً با طبیعت در نبرد باشد. این امر همچنان ادامه داشت تا آنکه به تدریج بر اثر گذشت زمان تعاون عمومی و همکاری همگانی و قدرتی که در نهاد اجتماع نهفته است برای انسان آشکار شد. استفاده از نیروی اجتماعی بر اثر گذشت زمان و به تدریج بصورت‌های گوناگونی جلوه گر شد. در ابتدا حملات دسته جمعی به حیوانات و شکار آنان و سپس استفاده‌ی عموم از آن شکارها مورد توجه قرار گرفت و رفته رفته مسأله بیگاری گرفتن بردگان و استفاده از نیروهای دسته جمعی آنان طرف توجه واقع شد، تا آنکه غلامان پی‌بردند اگر این نیروی آنان به صورت تشکل و مبارزه جلوه کند قدرتی عظیم برای نجات آنان از وضع دلخراش بردگی است.

۱- بر گرفته از نشریه هفتگی مردم ایران، ارگان جمعیت آزادی مردم ایران (حزب خداپرستان سوسیالیست) شماره‌های ۱۸ (مورخ ۱۷ فروردین ۱۳۳۲)، ۱۹ (مورخ ۲۰ فروردین ۱۳۳۲)، ۲۵ (مورخ ۱۷ اردیبهشت ۱۳۳۲).

تاریخ روبه جلو بود و چرخ تکامل در حال پیشرفت، به مرور زندگی انسان‌ها اجتماعی شد و تمدن و شهرنشینی رو به توسعه گذاشت. دهات کوچک به شهرهای بزرگ و صنعتی تبدیل گشت و استفاده از نیروهای اجتماعی به حال خاصی از تکامل خود در آمد در شهرهای بزرگ و صنعتی به طریق دیگری از انرژی افراد بشر استفاده می‌کردند و نزدیکی افراد محروم در کارگاهها و طبقات زجر دیده به یکدیگر آنان را به قدرت اجتماعی خویش آگاه ساخت.

از آن روزگاران تا به حال مبارزه دسته جمعی بصورت‌های مختلف ظهور کرده است و موجبات تشکل مردم به توده‌های مختلف فراهم شده است. گاهی افراد متشکل دارای یک هدف مشترک خاص بدون در نظر گرفتن سایر مسائل اجتماعی و هم فکری کامل در تمام شئون اجتماعی گرد هم جمع شده‌اند و به نام‌های مختلف مثلاً انجمن مبارزه با فحشاء و مسکرات، و زمانی این مبارزه و تشکل به یک هدف بزرگتری از لحاظ مادی توسعه یافته و بخاطر منافع یک صنف بوده است، در این حال اتحادیه‌ها و سندیکاها به وجود آمدند. دورانی از مبارزات افراد محروم به صورت مبارزه صنفی گذشته است در حالی که مبارزات صنفی و تشکیل انجمن‌های مختلف کمکی به مبارزات دسته جمعی بود و وسیله‌ای برای آشنایی به قدرت ثمر بخش مبارزات اجتماعی شد، ولی برای نیل به مقصود که ایجاد یک جامعه سعادت‌مند و مترقی باشد کافی به نظر نیامد، تا اینکه تشکل انسانها به صورت عالی تر و وسیع تری جلوه گر شد و رفته رفته مردم پی بردند که باید با هم فکری بیشتری در مسائل اجتماعی دور هم جمع شوند و قدرت بزرگتری تشکیل دهند تا موجبات ایجاد اجتماعی بهتر فراهم گردد. این تفکر درباره آینده و طرح نقشه زندگی نوین باعث پیدایش راه‌های مختلفی در طرز اداره زندگی شد و هر جمعی دور هم گرد آمدند تا راه ایجاد آینده‌ای که خواستار آن بودند کوشش دسته جمعی خود را به کار برند. این تکامل تدریجی که به صورت تشکیل احزاب نیرومندی جلوه‌گری نمود. در تاریخ زندگی ملت ما هم دیده می‌شود.

### پیدایش و تکامل احزاب

گفتیم که افراد مختلف راجع به زندگی و خصوصیات آن و چگونگی بهتر زیستن راهها و پیشنهاد‌های گوناگون داشتند و هر جمعی برای ایجاد قدرت اجتماعی بر مبنای صحیح فعالیت‌های دامنه داری را شروع کردند و این مبارزات از حال صنفی می‌رفت به صورت حزبی جلوه‌گر شود،

ولی باز در ایجاد حزب با مشکلات جدیدی روبرو شدند. افراد مختلف العقیده و مختلف المنافع دور هم جمع شده بودند، مسلم بود که ادامه‌ی همکاری اینان دشوار و بلکه غیر ممکن بود، بدین ترتیب احزاب اولیه به مرور محکوم به شکست‌ها و انشعابات و از بین رفتن بودند.

شما اگر تاریخ مبارزات سیاسی کشور خودمان را نیز پس از شهریور ۲۰ مورد توجه قرار دهید این مطلب برای شما کاملاً روشن خواهد شد. ممکن است این شکست‌ها و این در هم ریختن احزاب باعث یأس و ناامیدی افراد نا آگاه شود ولی برای آنها که می‌دانند که تنها راه نجات ما در ایجاد یک حزب قوی است که از مردم الهام گرفته باشد هیچگاه از مبارزه مأیوس نشده و همچنان براین عقیده استوار خواهند بود که آنقدر باید درست کنند و خراب شود تا تشکل منطقی واقعی که بر پایه اسلوب صحیح مبارزات اجتماعی استوار باشد ایجاد شود.

با در نظر گرفتن تعریف حزب که عبارت است: «از اتحاد و تجمع افراد هم فکر و هم عقیده که دارای عالی‌ترین هدف‌های مشترک و تاکتیک متشابه در راه ایجاد اجتماعی که در آن روابط خاص اقتصادی و سیاسی حکم فرما باشد، بوجهی که برای «بهبتر زیستن» یک فعالیت مداوم سرلوحه کار آنها قرار گیرد».

لذا باید دانست که تشکیل حزب نباید امری تحمیلی باشد. چه احزاب تحمیلی در نهایت و به مرور جای خود را به احزاب واقعی (که به نیروی مردم تشکیل می‌گردد) خواهند داد و در این جریان است که به تدریج نیروهای واقعی به صورت تشکل منطقی جلوه‌گر می‌گردد.

### دورنمای از چگونگی پیدایش احزاب در کشور ما

تا اینجا دانسته شد که چگونه بشر در سر آغاز زندگی انفرادی زندگی می‌کرد و به مرور و گذشت زمان و پیشرفت تاریخ انسانها پی بردند که از نیروی همگانی و اجتماعی بهتر و بیشتر می‌توان استفاده نمود.

سپس گفتگوی ما بدینجا کشید که معاینه همچنان ادامه داشت و مبارزات انفرادی تبدیل به دسته جمعی و صنفی گردید و سپس به صورت حزبی جلوه‌گر شد.

برای آنکه خوانندگان عزیز به این موضوع بیشتر پی ببرند از مبارزات سیاسی ملت خود پس از شهریور بیست به این طرف یاد کردیم. شاید عده‌ای از خوانندگان به خاطر دارند که پس از شهریور

بسیست مردم بر اثر چندین سال سابقه دیکتاتوری و فشار طبقه حاکمه قدرت فکری و تکامل طبیعی خود را از دست داده بودند و حتی آنقدر از اجتماع گریزان بودند که هر روز نامه‌ای در سر لوحه‌ی خود متذکر می‌شد: «این روزنامه به هیچ حزب و دسته‌ای بستگی ندارد» تا مردم بیشتر خوششان بیاید. این امر همچنان ادامه داشت تا آنکه مبارزات صنفی را تمدید و سپس تشکیل احزاب گوناگون پیش آمد. باید یادآور شوم تشکیل این احزاب و ایجاد این گونه اجتماعات امری تصنعی جلوه می‌کرد.

اصولاً آنها به یک باند بیشتر شباهت داشتند تا به یک حزب و همانگونه که در اجتماع یک پدیده تحمیلی بودند در داخل این دستجات نیز حکومت ما فوق به صورت زنده‌ی جناب اشرف‌ها، سید ضیاء‌ها و جمال امامی‌ها با فشار و قدرت تصنعی و صرف پولهای گزاف و ایجاد زرق و برق فرعونی عملی می‌شد. بعضی از آنها که قدرت بیشتری کسب کردند به جای آنکه تاکتیک مبارزه خود را بر خواست توده مردم قرار دهند و الهام از خلق بگیرند از یک منبع غیر مأنوس به شرائط زندگی ما و دور از خواست حقیقی مردم ما دستور می‌گرفتند و با تحمیل و فشار و یا تحمیل و تطمیع می‌خواستند آقایی خود را حفظ نمایند و دستگاههای رهبری آنان دلخوش بودند که دار و دسته‌ای به نام حزب دارند که برای چاپیدن مردم به کار می‌رود و بالتیجه در دستگاههای آنان فقط چاپلوسان و متملقان و عروسکهای مقوائی و افراد گلآش و رشوه‌خوار حضور داشتند. تاریخ ملت ما را به جلو داشت و چرخ تکامل اجتماع ما بدون اندک درنگی در تکیه بود، در این شرائط ملت ما هم جزء ملتهای نیمه مستعمراتی بود که می‌بایست زنجیرهای اسارت را پاره کند و این از راه مبارزه انفرادی ممکن نمی‌شد، این بود که نهضت ضد استعماری «مردم ایران» متحداً آغاز گردید و این بانگ اولین بار به صورت اعلام جنگ به کمپانی غاصب سابق نفت که بزرگ‌ترین پایگاه استعمار در کشور ما بود، آغاز گردید.

مردم به نیروی خویش پی بردند و عملاً تاریخ، ملت ما را به آستانه تحول عظیمی کشانید. اینجاست که دستجات و امانده از صفوف ملت کنار زده شدند و آنها که از دستگاههای بین‌المللی دستور می‌گرفتند از همراهی و همگامی با توده‌ی ملت بازماندند و فرسنگها از کاروان نهضت عمیق و ثمر بخش ما عقب ماندند و هر کجا که خواستند ظاهراً با ملت نزدیک شوند مردم آنان را تنها گذاشتند.

در چنین شرائطی احزاب و دستجات واقعی که متکی به مردم بودند و خواست آنان خواست توده‌ی ملت بود به حال رشد و توسعه در آمدند.

### ملت قیام کرد و سیل احساسات مردم خروشید و پیش رفت

به آن منطق شکست خورده که توصیه و تفسیر وقایع و حوادث چند ساله‌ی اخیر کشور ما را هم از دریچه عینک کدر مادی می‌نگرد و می‌گوید که در شرائط مبارزه ضد استعماری فقط حزب کبیره پیرو و شوروی نجات دهنده است باید جواب گویی کنیم. اینان هر بار پس از ایجاد مانع در مقابل پیش رفت نهضت ملی شکست خوردند و با شرمندگی دست توصل به دامن ملت دراز کردند و مردم هر بار با رهبری خردمندان پیشروان خود آنها را تنها گذاشتند، باز آنان برای گول زدن طرفداران خود دست به تئوری بافی زدند و گفتند از این نظر ما را قبول ندارند که در این شرائط طرز فکر «ناسیونالیستی» نضج و ترقی دارد و چون ما انترناسیونالیست هستیم لذا پیش رفت ما کند است. این افسونگران قرن بیستم حتی نخواستند این موضوع را قبول کنند که این ملت بود که از خیانتها و روش تصنعی آنان بیزار شده و برای همیشه از آنها کناره گرفته و اصولاً با پیدایش احزاب حقیقی که الهام از تاریخ و ملت می‌گیرند برای مردم مجال شنیدن یاه‌های آنان باقی نمانده است.

در هر صورت اینجا بود که تشکیلات حزبی به صورتی منطقی جلوه گرفت و پیش رفت کرد و سیل بنیان کنی و استعمار شکنی به صورت مبارزات ضد استعماری جاری ساخت و در هر حال نقشه‌های خائنانه و مزورانه دشمن را همیشه برای مردم ایران روشن کرد و فراراه مردم یک نقشه اساسی که در سر لوحه آن یک فعالیت مداوم برای «بهرتر زیستن» خود نمایی می‌کند قرار داد.

### برای تشکیل یک حزب مترقی بمعنی واقعی چه مسائلی باید مورد نظر باشد؟

هر پدیده‌ای در شرائط خاص مخصوص به خود جلوه گر می‌شود، ما که می‌خواهیم چگونگی به وجود آمدن یک حزب را مورد بررسی قرار دهیم باید بدانیم که در کجا زندگی می‌کنیم، با چگونه مردمی سر و کار داریم، چه شرائطی ما را احاطه کرده، تاریخ ملت ما و تکامل فکری افراد این مملکت و وضع قوای اقتصادی و تولیدی آن چگونه بوده، وضع آب و هوا و محیط جغرافیائی و خصوصیات نژادی «اخلاق، روحیه، سنن و آداب و رسوم» و رژیم و تاریخچه آن و روابط مردم با سایر ملل از

همدیگر جدا نیست و درست است که امروزه باید بسیاری از مسائل بین المللی را مورد توجه قرار داد ولی ما در ایران زندگی می‌کنیم و تشکیل حزب را هم برای تمرکز مبارزات «مردم ایران» و برای بهتر زیستن همین ملت می‌خواهیم. لذا ابتدا باید ملت خویش را بشناسیم و روی شناسایی این مردم مسائل مورد نظر در بالا را با آن تزییق نموده (در هم آمیخته) و به ایجاد یک تشکیلات دست زنیم. ولی افسوس آنها که بارها امتحان کرده‌اند که تبعیت یک حزب سیاسی بطور جاهلانه و کورکورانه از یک دستگاه بین المللی جز وسیله قرار گرفتن چیزی نیست باز هم این راه نادرست را همچنان می‌پیمانند.

ولی صرف نظر از آن عده معدودی که در بساط گسترده شده از طرف کمینفرم منافی دارند، تمام کوشش خود را به کار می‌بریم تا همچنان که تاریخ ایجاب می‌کند نهضت ملی ما از جنبه‌ی لیبرالیسم به صورت تشکیلاتی که متکی بر خواست و منافع اکثریت مردم ایران باشد تکامل یابد و این تکامل یکی از ضروریات اجتناب ناپذیر تاریخی است.

و در این راه این امید برای ما هست که جوانان روشنفکر و ترقی خواه ما که هنوز ملت برای آنان حسابی دارد و این حساب بسته نشده است، به آغوش ملت باز گردند.

آنها که با یک تعصب خاصی در مسائل اجتماعی از عقاید و نظریات دیگران متابعت می‌کنند و این تعصب جاهلانه تا اعماق مغز و فکر و وجدان آنها در اثر تلقین سوء رسوخ کرده است آیا هیچ به این مسأله اساسی فکر کرده‌اند که هر ملتی خود بهتر شرائط مبارزه خویش را تشخیص می‌دهد و آنها که از دور دست بر آتش دارند چندان به فکر آنها که می‌سوزند نیستند؟ و بالاخره هیچ فکر کرده‌اند که اصولاً یک حزب سیاسی مترقی باید تاکتیک خویش را مبتنی بر تغییر وضع اقتصادی و سیاسی و فکری توده‌هایی قرار دهند که در میان آنها نضج گرفته و تشکیلاتی به وجود آورده است؟ نه آنکه به وجود آمدن حزب برای آن باشد که حربه‌ای به صورت ستون پنجم در دست یک دستگاه بین المللی بوده که اگر روزی منافع آن دستگاه ایجاب کرد وجه المصلحه قرار گیرد. مثال زنده‌ای که در تاریخ ده ساله‌ی اخیر احزاب می‌توان نام برد فرقه دموکرات آذربایجان است که بر سر موضوع بالکان و تحت تاثیر «قرار داد» آن زمان که ما بین کمینفرم و آمریکاییها از طرف دیگر بسته شد و نتیجه‌ی آن برچیده شدن بساط «دموکرات فرقه سی» از ایران گردید و قلب هزاران جوان آزادیخواه بوسیله رگبار مسلسل از حرکت باز ماند.

مثال عینی دیگر که نظر ما را تأیید می‌کند و همه مردم از نزدیک شاهد آن بودند، همان مسأله ملی شدن صنعت نفت بود. ملت یک راه را انتخاب کرده بود و حزب توده تحت تأثیر فشار کمینفرم که با امپریالیسم انگلستان از در سازش در آمده بود، راهی جدا از مردم، بلکه به عکس آن را انتخاب کرده بود، و در نتیجه برای چندمین بار حزب توده در منجلاب بدنامی کشیده شده و شکست خورد. این نه به خاطر آنست که حزب توده به حقانیت راه مردم پی نبرده بود، بلکه ناچار بود از مرکز اداره کننده خودش دستور بگیرد، والا اگر حزب توده از لحاظ انتخاب تاکتیک مبارزه ممتاز بود صد در صد و مسلماً از ابتداء باروش مردم و در راه مردم مبارزه می‌کرد و با برگزیدن راه توده‌های انبوه مردم محروم ایران معلوم نبود که امروز قدرت متلاشی شده آن حزب تا چه حدودی اوج می‌گرفت. (پس اکنون اینان) باز گردند و بدانند که آنها نیز در راه قدرتمند ساختن و به ثمر رسانیدن نهضت ملی می‌توانند سهیم و شریک باشند.

### شرائطی که امکان تشکیل یک حزب قوی و ملی را فراهم می‌سازد

وقتی امکان تشکیل یک حزب قوی و مترقی فراهم می‌گردد که مصالح ساختمان این بنا در اجتماع و جامعه در اثر مرور زمان زمینه سازی شده باشد (و مهم‌ترین آن شرایط و زمینه‌ها از این قرار است):

- ۱- ملتی که از یک دوران طولانی دیکتاتوری و فشار رهایی یافته باشد. در این شرایط همه تشنه یک مبارزه اصولی برای ایجاد یک جامعه نو هستند.
- ۲- صفوف ملت در اثر مبارزه ضد استعماری بهم نزدیک شده باشد و بخواهند از سلطه امپریالیسم خارج شوند.
- ۳- فکر مردم از زندگی انفرادی خسته شده و از مبارزه بطور تنها نتیجه‌ای نبرده باشند، مانند مبارزه مسعودها و فرخی‌ها.

### در مقابل:

- ۱- کادری ورزیده و متمرکز و متحد که دارای یک ایدئولوژی روشن و مشخص بوده و توانایی متشکل ساختن مردم پراکنده را دارا باشند در اثر مبارزات طولانی بوجود آمده باشد.

۲- ایده‌نولوژی آنان قادر به تجزیه و تحلیل صحیح روابط اجتماعی بوده، تضادها و تناقضات موجود در اجتماع حاضر را روشن و معلوم و چگونگی بسط و توسعه آنها را مشخص و آشکار سازد و با استفاده از این تناقضات راه مبارزه و شکل زندگی آینده و روابط اقتصادی و سیاسی را روشن و آشکار سازد.

۳- در همه حال یک آرمان و ایده‌آل مشخص اجتماعی که محور عقاید و نظریات آنان است فراراه مردم بوده و سعی نمایند با استفاده از نتایج ایده‌نولوژی خویش تاکتیک ظفر بخشی برای مبارزه در شرائط موجود و آینده انتخاب کنند.

۴- با انتقاد از تجارب خویش و دیگران تشکیلات صحیحی را پی‌ریزی کنند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی